هوشنگ ابتهاج تجلیل می شود

در مراسم گشایش چهارمین کنگره سراسری غزل معاصر، از امیر هوشنگ ابتهاج (هـ. الف. سایه) تقدیر می شود. جلیل واقع طلب، دبیر چهارمین کنگره سراسری غزل معاصر به ایسنا گفت: همزمان با برگزاری افتتاحیه کنگره از شاعر و محقق نامور ایران و مایه مباهات گیلانیان استاد امیر هوشنگ ابتهاج سمیعی (هـ. الف. سایه) تجلیل خواهد شد. مراسم چهارمین کنگره سراسری غزل معاصر از ۲۵ تا ۲۸ اردیبهشت ماه در رشت برگزار می شود.

ناگهان شعر

امروز با شاعران چناران

جواد اسلامی

آه است آنچه بی تو برون آید از نهاد
یاد تو کرده ایم و نکردی ز ما تو یاد
گاهی به حال پرسی ما یک دو خط سلام
باری اگر چه زحمتتان می شود زیاد
گفتم بمان نماندی و یک شب زدی به راه
گفتی دلم گرفته همین هر چه باد باد
من نذر کرده ام که اگر سهم من شوی
شب را به ضرب گریه بدوزم به بامداد
هان راستی درخت اناری که روی آن
عکس دو قلب کنده ای امسال میوه داد
دیگر نیاز نیست نوک پنجه های پا
برخیزی و انار بچینی میان باد
حتما بزرگ تر شده ای قد کشیده ای
هر روز شوق دیدنتان رو به ازدیاد
آن کس که هیچ وقت فراموشتان نکرد
امضا هزار و سیصد و هفتاد و نه جواد

حیدر کاسبی

برای استاد علی اکبر بهاری

چرخی بزن و بهار را باور کن
تلخی نکن این ترانه را از بر کن
نه شب نه سکوت نه کویر ما را
دیوانه سرنای علی اکبر کن

زهرا ناصری

یک ساعت از من دوری و دارم
امشب برایت جاده می بافم
با یک کلاف و میل سرد رگم
رج دانه هایی ساده می بافم
*
یک رج کنارت رو به دریاها
یک رج کنارت زیر بارانم
دنیای من خورشیدتر از نور
وقتی که در خاک چنارانم
*
من عاشقم عاشق دلش قرص است
فریاد در کوه و کمر دارم
با رسم دخترهای گرمانجی
یک شال قرمز روی سر دارم
*
آن قدر آرامی که در دستت
پروانه ها پروانمی کردند
از چشم هایت ساده فهمیدم
با تو همیشه عشق ها مردند

اصغر نظام دوست

روی تخته سنگ بزرگی نشسته ام
عقابی در من است
که دشت در قلمروی اوست
و تو
خرگوش سپیدی هستی
که انبوه درختان هم نمی توانند
سپیدی ات را بپوشانند
آن طور که سرک های گاه به گاهت
دلم را به وجد می آورد

آمنه حسینی

تو شدی تشنه و من تشنه ترم آبادی
بی تو مهتاب نیاید به برم آبادی
خانه های گلی ات بوی گلایل دارند
بگذار عطر تنت را بخرم آبادی
باز دیوانه کند رخت تنت حال مرا
تا بیفتد لب جویت گذرم آبادی
آمدم تا لب جوی تو که شاعر بشوم
غزل و پونه وحشی ببرم آبادی
بدنت سرد شده دست و دلت می لرزد
زخم برداشته ای باخبرم آبادی
آب کاریز و درخت کهن توت کجاست
تا به آغوش غریبش بپرم آبادی
تو فراموش شدی درد کمی نیست ولی
بی تو در شهر منم در به درم آبادی
دیدنت آمده ام حال دلم خوب شود
باز کن آمنه ام پشت درم آبادی

مهری عزیزپور

پنجره ها بسته بود
از کوچه پشتی آمدی
روبرویم نشستی
چای خوردیم
خندیدیم
چه زود رفتی
زندگی!

اعظم بهادری

باید برای عشق تو پر در بیاورم
یک آسمان ابری دیگر بیاورم
باید برای ماه شبم بیشتر زپیش
یک میز بان قابل بهتر بیاورم
دلتنگ دست های منی من برای تو
دست و دلی که نیست بگو سر بیاورم
امشب خدای من تو شدی ای بت عزیز
شاید دوباره یک دل کافر بیاورم

پاسخ یک کاریکلماتور نویس به «قند پهلو» یی ها

کاریکلماتور؛ طنز یا تنبلی شاعرانه

چندروز پیش در برنامه «قند پهلو»، شهرام شکیبا درباره کاریکلماتور اظهار نظری داشت که با واکنش یکی از کاریکلماتورنویسان مشهدی رو به رو شد. سهراب گل هاشم که به گفته خودش، برای اولین بار در تابستان ۱۳۵۵ نوشته هایش در یکی از روزنامه های چاپ مشهد منتشر شد و از آن تاریخ تاکنون باخیلی از نشریات کشور با امضای : هوای تازه ، حبابی روی آب ، پارازیت و سهراب همکاری دارد ، اولین جلد کتابش تحت عنوان «گاه گاهی زندگی شوخی نیست» در بهار ۸۶ در تهران به چاپ رسید و دومین جلد به نام «چند قدم به حرف حساب» در بهار ۸۹ در نمایشگاه کتاب تهران رو نمایی شد. سومین کتاب وی با نام "قلم کم حرف" در آذر ماه ۹۵ وارد بازار نشر شد و برای اولین بار در ایران، بخشی از کاریکلماتورهای این کتاب به انگلیسی و عربی ترجمه شده است.

■ **کاریکلماتور، کشف نادرست شاعرانه**

شکیبا : از لحاظ زیبایی شناسی، «کاریکلماتور» کلمه بدآهنگ و ناهنجاری است. گرچه شخص نامداری (پرویز شاپور) این واژه را پیشنهاد داده است ولی پیشنهاد قشنگی نیست. کسانی که با کلام آهنگین آشنا هستند، نمی توانند این واژه را بپذیرند. بدسلیقگی که در انتخاب این واژه انجام شده، شاید در ارتباط با نوع کاری که آقای شاپور می کرد، درست باشد. کارهای آقای شاپور یک قدم با نبوغ شعری فاصله داشت. به همین دلیل کسی نمی دانست این ها چیست! یک پایش توی شعر است و یک پایش توی نثر. و چون نوع پرش خیال در کاریکلماتور، شبیه کاریکاتور است، منطق کاریکاتوری است، این واژه ساخته شد.

ولی به نظر من حاصل تنبلی شاعرانه است. کشف شاعرانه ای که در قالب نادرستی ریخته می شود. این کشف اگر در قالب درستش یعنی شعر ریخته شود، یک اتفاق است و گرنه یک کودک نارس است. به همین دلیل، نه به عرصه نثر مربوط است، نه به عرصه شعر و نه عرصه تصویر. این واژه، نامی است که از یک رفتار ترسیمی آمده و روی یک رفتار نوشتاری گذاشته شده است. به نظرم اتفاقی بود که با آقای شاپور متولد شد و با خود آقای شاپور از دنیا رفت. بقیه دارند با دستگاه، این پدیده را زنده نگه می دارند.

ناصر فیض: آیا دقت کردید در عرصه کاریکلماتورنویسان، استثنائا کسانی هستند که قالب های دیگر ادبی مانند شعر یا داستان را کار کرده اند ولی اغلب کاریکلماتورنویسان در عرصه های دیگر ادبی توانایی خاصی ندارند.

شکیبا: به نظر من خود آقای شاپور هر کاری که می شد با این قالب کرد، انجام داده و تمام شده است.

فیض: بعضی از این نامگذاری ها از بلاتکلیفی است. بعضی من درآوردی هستند که جالب است جا افتاده اند و کم کم قالبی شده که اساس و پایه درستی ندارد حتی در نامگذاری.

شکیبا: شاپور آن قدر آدم عزیزی بود، هیچ کس دلش نمی آمد حتی بگوید این کار، کار شیرین و قشنگی نیست. حالا هم که ما می گوییم، احتمالا به خیلی ها برمی خورد.

■ **کاریکلماتور یک گونهٔ مستقل ادبی است**

سهراب گل هاشم

«کاریکلماتور»، نامی است که از ابداع آن تا امروز، قریب نیم قرن می گذرد. این واژه را نخستین بار احمد شاملو ـ که در آن زمان، سردبیری مجلهٔ خوشه را برعهده داشت ـ در سال ۱۳۴۷ هجری خورشیدی رونمایی کرد. شاملو این اسم را زیبندهٔ جملات کوتاه و طنزآمیز پرویز شاپور تشخیص داده بود و چنین استدلال می کرد که سخن شاپور، آمیزه ای از تصویرسازی های ذهنی طنزآمیز است که با کلمات اندک بیان شده اند.

شاملو، «کاریکلماتور» را «کاریکاتورسازی با کلمات» معنا می کرد و معتقد بود همان کاری که یک کاریکاتوریست در عالم نقاشی می کند، شاپور در حوزه زبان انجام می دهد.

کاریکلماتور علاوه بر سودجستن از عنصر ایجاز، وجه نوشتاری زبان را به وجه دیداری و ذهنیت را به عینیت نزدیک می کند و ضمن شادی بخشی و تعجّب برانگیزی، به طرح انتقادات تلویحی و تعریض های خیال آفرین و تفکّرپرور می پردازد.

کاریکلماتورهای پرویز شاپور، از موفّق ترین الگوهای نثر موجز طنزآمیز در سدهٔ اخیر محسوب می شوند که آستانهٔ توجه خواننده را به محیط اطراف افزایش می دهند و او را به این حقیقت واقف می سازند که اشیا و موجودات ظاهراً کم اهمیّتی همچون سنجاق، ساعت، گربه، ماهی و... از چه ظرفیتِ سوژه پردازی بالایی برخوردارند. متأسفانه چند روز پیش در برنامه «قند پهلو» آقایان ناصر فیض و شهرام شکیبا در کمال ناباوری در میان مسابقه شاعران طناز، کاریکلماتور را ساختگی و ناپخته و فناشده خواندند و گفتند: وقتی پرویز شاپور فوت کرد نوشته هایش هم به دنبال او مردند.

کاریکلماتور، بنابر اظهار نظر علمی استاد سیروس شمیسا، یک ژانر و گونهٔ مستقلِ ادبی است و شاید به همین دلیل است که در سالیان اخیر، شمار قابل ملاحظه ای از پایان نامه های مقاطع تحصیلات تکمیلی در رشته های «زبان شناسی همگانی» و «زبان و ادبیات فارسی»، تحلیل و دسته بندی زبانی و موضوعی این ژانر پرطرفدار را در دستور کار قرار داده اند. نقش ستودنی پرویز شاپور به عنوان طلایه دار این نوع و نهضت ادبی، بر هیچ یک از ارباب و اصحاب منصف طنز معاصر، پوشیده نیست.

به باور من، نقش و جایگاه همه کسانی که با شرافت و عشق، قلم می زنند بدون شک، تاثیر گذار و ماندگار خواهد بود. از کسانی مثل جناب فیض و شکیبا انتظار می رود در حرمت نهادن به پیشکسوتان طنز و شوخ طبعی، الگو باشند.

تازه های نشر

انتشار کتابی از مرتضی سرهنگی پس از ۱۶ سال

سه عنوان از کتاب های مرتضی سرهنگی پس از ۱۶ سال از سوی انتشارات سوره مهر با طراحی جدید منتشر می شود.

به گزارش خبرنگاران پویا، بنا بر اعلام انتشارات سوره مهر قرار است سه مجموعه از کتاب های مرتضی سرهنگی، نویسنده و پژوهشگر، با نام های «اسم من چفیه است»، «اسم من پلاک است» و «اسم من خاکریز است» بازنشر و در سی امین دوره نمایشگاه کتاب تهران عرضه شود.

این سه اثر آخرین بار در سال ۸۰ منتشر شد. سرهنگی این آثار را که با موضوع دفاع مقدس است، برای گروه سنی کودک و نوجوان نوشته است. در این سه عنوان، مخاطب با کاربردهای خاکریز، پلاک و چفیه آشنا می شود. قرار است این سه عنوان با طراحی جدید منتشر شود و در اختیار علاقه مندان به ادبیات دفاع مقدس قرار گیرد.

داستان این عناوین با زبانی ساده و روان روایت شده است و قصد دارد عناصر مختلف جبهه و جنگ را برای گروه سنی کودک و نوجوان بازشناسی کند.

سی امین دوره نمایشگاه کتاب تهران از روز سیزدهم تا بیست و سوم اردیبهشت ماه، میزبان علاقه مندان به کتاب و کتابخوانی در شهر آفتاب است.

چهارمین جلد کارنامه لشکر ۲۷ محمد رسول ا... چاپ می شود

چهارمین جلد از کارنامه لشکر ۲۷ محمد رسول ا... در سال های دفاع مقدس با تحقیق و پژوهش گلعلی بابایی و حسین بهزاد توسط نشر ۲۷ بعثت چاپ می شود. به گزارش مهر، چهارمین جلد از کارنامه لشکر ۲۷ محمد رسول ا... در سال های دفاع مقدس با تحقیق و پژوهش گلعلی بابایی و حسین بهزاد تا چندی دیگر توسط نشر ۲۷ بعثت چاپ می شود. کارنامه عملیاتی لشکر ۲۷ محمد رسول ا...، یکی از مجموعه هایی است که این ناشر چاپ می کند و تا به حال ۲ جلد اول آن چاپ شده است. این دو جلد، ۲ سال از حضور این لشکر را در سال های جنگ به صورت روزشمار در بر می گیرد. سومین جلد از این مجموعه هنوز چاپ نشده و منابع جلد چهارم کامل شده است. پس از ۲ جلد اول، نوبت به مطالب مربوط به عملیات خیبر است و می توان گفت، چهارمین جلد از این مجموعه، فعالیت ها و عملیات های لشکر ۲۷ را در سال چهارم جنگ ایران و عراق در بر می گیرد. این کتاب قرار است با نام «شراره های خورشید» چاپ شود. قرار است در مراسمی از این کتاب رونمایی شود. خاطرات پروانه چراغ نوروزی همسر شهید حسین همدانی هم از دیگر کتاب های جدید نشر ۲۷ است که قرار است در نمایشگاه کتاب تهران رونمایی شود. مصاحبه و گفت و گوهای این کتاب با عنوان «خداحافظ سالار» توسط حمید حسام نوشته و تدوین شده است. «دیدار جان» اثر فاطمه وفایی زاده شامل زندگی نامه سردار شهید مهدی بخشی از دیگر آثار جدید این ناشر است.

مجموعه شعر جدید آرش شفاعی

جدیدترین مجموعه شعر آرش شفاعی با نام «ترافیک فرشته» منتشر شد. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران، این کتاب ۷۷ شعر سپید این شاعر معاصر را در بر گرفته که در ابتدای آن نوشته است:

از ترافیک فرشته
همین یادم ماند
هر شش ثانیه
کودکی از گرسنگی
می میرد

از آرش شفاعی، شاعر و روزنامه نگار متولد ۱۳۵۴ تاکنون مجموعه های شعر مختلفی منتشر شده است. او برگزیده و داور جشنواره ها و رویدادهای ادبی مختلفی نیز بوده است.

در پشت جلد کتاب جدید او، «ترافیک فرشته»، شعری از متن کتاب با نام "دیگران" آمده است؛ به این شرح:

نه زیبا بودند و نه گرم
مثل شعر دهه هفتاد
برمی گشتند
با هماهنگی لباسشان
تماشایم می کردند
با سایه چشمشان
و کلماتی
که از دستور العملی خاص پیروی می کرد

من تو را می خواستم
با شیطنت صبحگاه
لکه چای روی شالت
و موسیقی صدایت
وقتی غزلی از سایه می خوانی

زیبایی تو تکرار نمی شود
چون شعر دهه چهل

«ترافیک فرشته» را نشر آرادمان در ۸۵ صفحه و با بهای ۱۰۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

«فیروز زنوزی جلالی» به قاعده بازی با مرگ تن داد

فیروز زنوزی جلالی نویسنده برگزیده چندین جایزه ادبی از جمله جایزه ادبی جلال آل احمد درگذشت.

به گزارش خبرگزاری فارس، وی مدتی با بیماری سرطان ریه دست و پنجه نرم می کرد که در نهایت روز گذشته در بیمارستان مسیح دانشوری درگذشت.

فیروز زنوزی جلالی در سال ۱۳۸۷ جایزه ادبی جلال آل احمد را برای رمان «قاعده بازی» دریافت کرد. وی همچنین برنده جایزه قلم زرین شد.

از این نویسنده آثاری چون «باران بر زمین سوخته (مجموعه نقد آثار احمد محمود)»، «سال های سرد»، «خاک و خاکستر»، «روزی که خورشید سوخت»، «اسکادروی ماز ۵۴۳»، «مردی با کفش های قهوه ای»، «سیاه بمبک»، «مجموعه داستان اولی ها (گردآوری)»، «مخلوق»، «شور و شیرین» منتشر شده است.

«برج ۱۱۰» عنوان اثری است که در قالب رمان نوشته شده و در انتظار چاپ است. این اثر به صورت تخیلی و با استفاده از ابزارهای فلسفی و روان شناختی نوشته شده که در آن نماد پردازی هایی هم انجام گرفته است. به عنوان نمونه «۱۱۰» عدد ابجدی است که نام حضرت علی (ع) را به یاد می آورد. زنوزی جلالی متولد سال ۱۳۲۹ در خرم آباد بود. وی تا پایان تحصیلات ابتدایی در بروجرد بود و سپس به تهران آمد و تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته های نظامی گذراند و ناخدا یکم کمیسر دریایی بود. او به عنوان کارشناس با بخش داستان بنیاد جنگ زدگان، کتاب سال بنیاد شهید، بخش قصه و رمان حوزه هنری و بخش انتخاب آثار برتر معلمان همکاری داشت و علاوه بر ساخت فیلم های مستند به فیلم نامه و نمایش نامه نویسی و تدریس و نقد نیز می پرداخت. کتاب «مردی با کفش های قهوه ای» او جزو آثار برتر ۲۰ ساله انقلاب شناخته شده و کتاب «مخلوق» او نیز برنده دیپلم افتخار از طرف بنیاد شهید شده است.

گزارش

گزارشی از ضیافت شعر در هفته فرهنگی کلات

به سمت مشرق چشمت، نگاه عاشقی پل زد

برگزاری شب شعر ویژه مبعث حضرت رسول اکرم (ص) و نیز یادمان شاعر درگذشته کلاتی استاد حسن صباغ، از جمله برنامه های دومین هفته فرهنگی کلات بود که با استقبال خوب دوستداران شعر و ادب شامگاه دوشنبه در کلات برگزار شد. به گزارش خراسان در این مراسم که با اجراهای موسیقی مقامی و سنتی نیز همراه بود، جمعی از شاعران به فارسی، ترکی و کرمانج اشعاری خواندند و از خانواده زنده یاد استاد صباغ تجلیل شد. در ابتدای این مراسم، دکتر موسوی تبار، فرماندار کلات که بانی برگزاری این هفته شده و با همراهی مردم این شهر دومین دوره آن در حال برگزاری است، ضمن شعر خوانی، از اهداف برگزاری این هفته سخن گفت و آن را زمینه ای برای معرفی ظرفیت های کلات برشمرد. یوسف امینی، معاون فرهنگی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی هم در سخنانی کوتاه حضور شاعران مشهد را در این برنامه نشان دهنده توجه به اهمیت فرهنگ و تبلیغ رویدادهای فرهنگی و هنری دانست. در این مراسم تعدادی از شاعران از جمله: حجت الاسلام عدالتی، جلیل فخرایی، علیرضا حیدری، راضیه رجایی، حشمت سید موسوی، منیژه رضوان و... اشعاری را به مناسبت مبعث پیامبر اکرم (ص)، توصیف کلات و یادی از زنده یاد استاد صباغ قرائت کردند.

علی عدالتی مجد

زیبا خصالی محمد صبح وصالی محمد
رخشنده خالی محمد صاحب جلالی محمد
زیباترینی محمد تو بهترینی محمد
با حق قرینی محمد عشق زلالی محمد
ای روح رحمت وجودت جودت کرانه ندارد
اوج عروج و صعودی اوج تعالی محمد
هستی و بودی محمد روح وجودی محمد
هستی همه در زوال است تو بی زوالی محمد
فعلن فعولن فعولن وزنی که در شعر زیباست
اما به زیبایی تو نبود مقالی محمد
از "منتظر" گفتند اما تو برتر از شعرهایی
ممنونم از اینکه دادی بر من مجالی محمد

راضیه رجایی

برخاستی که سرو قدت سروری کند
این قدر می شود که کسی دلبری کند؟!
آن نقطه ای که گوشه لب های تو گم است
تنها بس است تا همه را مشتری کند
خُلق عظیم! هیچکسی را خدا نخواست
از بین خلق، بعد تو پیغمبری کند
انگار دوست داشت که تنها شوی و بعد
تنها خودش همیشه تو را یاوری کند
کوثر عطا کند که برای یتیمی ات
با دست مهربان خدا مادری کند...

یک سر ز خاندان تو بالای نیزه ها
بر سروران هر دو جهان سروری کند...

علیرضا حیدری

او گفت بخوان و غرق ایمانت کرد
شایسته وحی و ذکر و قرآنت کرد
خواندی تو تمام فصل دانایی را
وقتی که به کوه نور مهمانت کرد
*
از روی گل تو باغ هم باخبر است
با نام تو عشق در جهان معتبر است
تو اسوه اخلاق نکویی، بی شک
اخلاق تو منشور حقوق بشر است

حشمت سید موسوی

به سوی ماه پیشانی ات سر خم کرده بود عالم
زمین نام تو را می برد پیش از خلقت آدم
به سمت مشرق چشمت، نگاه عاشقی پل زد
وجبریل صدا گفت: ای محمد، منجی عالم
بخوان روشن تر از صبح یقین پروردگارت را
بخوان خورشید را تا گل کند در آسمان کم کم
بخوان اینک بروید آیه های مشرقی در تو
بخوان تا شادمانی سر زند بعد از غروب غم
حرا شد تکیه گاه شانه های خسته از دردت
و تو آن کوه مردی که نمی آرد به ابرو خم

صدا باران شد و تر شد زمین تشنه تنها
صدا سبزینه الهام را پاشیده بود آن دم
صدا در دفترش نام تو را می خواند و نام من
صدا آموخت درس عشق را و عقل را با هم
اگر گل کرده شور بی شکیب شعله در جانت
بیا ای جامه پیچیده به خود، ای معنی آدم
که امشب دف ددف می زند دنیا برای تو
و با پایان این جشن بی پایان به پایان می رسد دم

منیژه رضوان

بر گرد ضریح تو که شهریست پر از نور
چندیست مجاور شدم از فاصله دور
ما مست تر از ساغر و مشتاق تر از جام
بر گرد تو هستیم تو ای خوشه انگور
فیروزه من، آمدم از شب، شب تهران
دنبال قدم های تو تا صبح نشابور
مشهد شده از عزت درگاه تو مشهد
این شهر شده از قبل نام تو مشهور
سیمای شفابخش و صدای قدمت را
کر می شنود از همه سو می نگرد کور
رنجوردلان معتکف فیض تو در شهر
مامون صفتان منتظر لطف تو در گور
ای سبزتر از سبزتر از سبزتر از سبز
ای نور علی نور علی نور علی نور
تا بوده چنین بوده و تا چشم طلب هست
ما ناظر این منظره هستیم و تو منظور

موسیقی

کمانچه به نام ایران و آذربایجان ثبت جهانی می شود

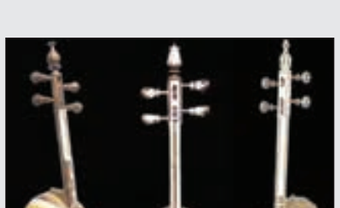

پس از اعتراض جمهوری آذربایجان به سازمان یونسکو در زمینه ثبت کمانچه به نام ایران در فهرست میراث ناملموس جهانی، قرار شده است این ساز فولکوریک - کلاسیک آرشه ای ایران، به طور مشترک به نام «ایران» و «آذربایجان» ثبت شود. به گزارش فارس، پس از ثبت ساز «تار» به نام جمهوری آذربایجان در یونسکو و عدم اعتراض مسئولان فرهنگی و سکوت نهادهای صنفی، خانه موسیقی برای جلوگیری از وقوع اتفاقات مشابه، با همکاری سازمان میراث فرهنگی اقدام به تشکیل کارگروهی برای ثبت ساز کمانچه در سازمان یونسکو کرد. فروردین ماه گذشته در رسانه ها اعلام شد که پرونده ساز کمانچه به نام ایران در سایت یونسکو درج شده است تا برای میراث ناملموس سال ۲۰۱۷ بررسی و ثبت شود. اما بعد از این اقدام، جمهوری آذربایجان به ثبت کمانچه به نام ایران در فهرست میراث ناملموس جهانی، به سازمان یونسکو اعتراض و ثبت این پرونده را با چالش مواجه کرد. حمیدرضا عاطفی مدیر اجرایی خانه موسیقی ایران درباره آخرین وضعیت این پرونده به خبرنگار موسیقی فارس، گفت: اعتراضی که جمهوری آذربایجان کرد متاسفانه موثر واقع شد و یونسکو تصمیم گرفت این ساز را به طور مشترک به نام «ایران» و «آذربایجان» ثبت کند. البته هنگام ثبت مشترک، بر اساس حروف الفبا نام کشورها را می نویسند که بر این اساس بایستی نام آذربایجان اول نوشته می شد که با انجام رایزنی ها قرار شده است نام ایران اول بیاید. وی درباره ثبت سازهای دیگر موسیقی ایران در یونسکو نیز گفت: هم اکنون برای عود نیز اقداماتی انجام شده است تا ثبت جهانی شود البته سوریه، عراق و لبنان در خصوص ساز عود مدعی هستند اما ما زودتر اقدام کردیم و پرونده را به یونسکو فرستادیم که در آینده نتیجه آن مشخص می شود.

صنایع دستی

حضور هنرمندان ایرانی در نمایشگاه صنایع دستی فلورانس

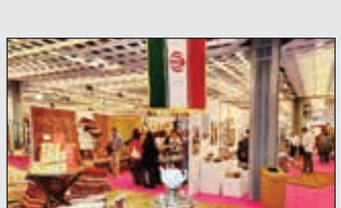

مدیر کل صادرات معاونت صنایع دستی و هنرهای سنتی گفت: ۱۸ هنرمند ایرانی در هشتادویکمین دوره نمایشگاه بین المللی صنایع دستی و هدایا در شهر فلورانس ایتالیا به مدت ۱۰ روز به رقابت و هنرنمایی می پردازند. به گزارش ایسنا، هشتادویکمین دوره نمایشگاه بین المللی صنایع دستی و هدایای فلورانس در حالی آغاز شد که بیش از ۵۰ کشور مختلف از ۵ قاره جهان به معرفی دست ساخته های هنری خود در قدیمی ترین جشنواره جهانی صنایع دستی در قلعه تاریخی "فرتزاباشو" شهر فلورانس ایتالیا می پردازند. این نمایشگاه که از دوم اردیبهشت برپا شده تا ۱۱ اردیبهشت دایر است. پویا محمودیان در این باره اظهار کرد: این نمایشگاه یکی از قدیمی ترین نمایشگاه های بین المللی صنایع دستی دنیاست که تنها چند سال متوالی در خلال جنگ جهانی دوم برگزار نشده و این شهر به عنوان مرکز هنری کشور ایتالیا، هر سال در ماه آوریل با تعداد بی شماری از گردشگران داخلی و خارجی روبه رو است. نمایشگاه فلورانس با بخش های متنوعی چون صنایع دستی، هدایا، چیدمان داخلی، غذاهای سنتی و سوغات، از جاذبه های گردشگری این شهر محسوب می شود. وی افزود: در میان کشورهای شرکت کننده در فلورانس ۲۰۱۷، سرخ پوشان آمریکایی از مهمانان ویژه این نمایشگاه محسوب می شوند که با نمایش آثار فرهنگی، صنایع دستی، موسیقی و رقص های آیینی خود به معرفی فرهنگ قدیمی ترین ساکنان قاره آمریکا می پردازند. مدیر کل دفتر صادرات معاونت صنایع دستی، از جمله اهداف حضور هنرمندان صنایع دستی ایران در این نمایشگاه را معرفی هنر و تمدن ایرانی عنوان کرد و گفت: ۱۸ نفر هنرمند صنایع دستی در رشته های گلیم، زیورآلات سنتی، سفال و سرامیک، معرق چوب، خراطی روی چوب، چاپ باتیک، صنایع دستی دریایی، سوزن دوزی بلوچو... از ۷ استان به رقابت پرداختند.